

# بوی بوستان معنی



## • اندرز مشفقانه

حضرت امام خمینی، رهبر فقید اسلام  
در بخشی از وصیتنامه سیاسی - الهی  
خویش چنین می نگارند:

برادران! شما این اوراق را قبل از مرگ  
من نمی خوانید . ممکن است پس از من  
بخوانید. در آن وقت من در نزد شما نیستم  
که بخواهم به نفع خود و جلب نظران برای  
کسب مقام و قدرتی با قلبهای جوان شما  
بازی کنم. من برای آن که شما جوانان  
شایسته ای هستید، علاقه دارم که جوانی  
خود را در راه خداوند و اسلام عزیز  
و جمهوری اسلامی صرف کنید، تا سعادت  
هر دو جهان را دریابید. و از خداوند غفور  
می خواهم که شما را به راه مستقیم انسانیت  
هدایت کند و از گذشته ما و شما با رحمت  
واسعه خود بگذرد. شماها نیز در خلوت ها از  
خداوند همین را بخواهید، که او هادی و

تهیه و تنظیم: حسین قامت

«مرحوم ملکی (ره) شبها که برای تهجد  
و نماز شب به پا می خاست، ابتدا درسترش  
مدتی صدا به گریه بلند می کرد؛ سپس  
بیرون می آمد و نگاه به آسمان می کرد و  
آیات «ان فی خلق السموات والارض  
و...»<sup>۱</sup> را می خواند و سربه دیوار  
می گذاشت و مدتی گریه می کرد و پس از  
تظهير نیز کنار حوض مدتی پیش از وضو

رحمن است.<sup>۱</sup>



## • در خلوت انس

یکی از دوستان و نزدیکان مرحوم حاج  
میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، می گوید:

می نشست و می گریست و خلاصه از هنگام بیدار شدن، تا آمدن به محل نماز و خواندن نماز شب، چند جا می نشست و بر می خاست و گریه سر می داد و چون به مصلابش می رسید، دیگر حالش قابل وصف نبود»<sup>۲</sup>.



### • مسئولیت عالمان

یکی از اندیشمندان گفته است:

«نوده مردم همیشه یک مرتبه پایین تر از عالم، عمل می کنند؛ بدین معنا که اگر عالم، صالح و با تقوا و پرهیزکار باشد، مردم به او اقتدا کرده مرتکب کار حرام نمی شوند، ولی به مباحات عمل می کنند و اگر عالم به مباحات دست یازد، توده مرتکب امور شبهه ناک و مشتهات می شوند و چنانچه دانشمند، به مشتهات آلوده شود، سایرین کارهای حرام را انجام می دهند. و در صورتی که کار حرامی از او سرزند، دیگران کافر می شوند. و این موضوعی است که با چشمان خود می بینیم و چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است»<sup>۱</sup>.



### • غم نان و تشویش جهان!

یکی را از ملوک، مدت عمر سپری شد قائم مقامی نداشت. وصیت کرد که بامدادان نخستین کسی که از شهر اندر آید، تاج شاهی بر سر وی نهند و تفویض مملکت بدو کنند.

اتفاقاً اول کسی که درآمد گدایی بود همه عمر لقمه اندوخته، و رقعہ دوخته.

ازکان دولت و اعیان حضرت، وصیت ملک بجای آوردند و تسلیم مغانج قلاع و

خزاین بدو کردند.

مدنی ملک راند تا بعضی امرای دولت گردن از اطاعت او بپیچانیدند و ملوک از هر طرف به منازعت خاستن گرفتند و به مقاومت لشکر آراستن.

فی الجملة سپاه و رعیت بهم برآمد و برخی طرف بلاد از قبض تصرف او بدر رفت. درویش از این واقعه خسته خاطر همی بود تا یکی از دوستان قدیمش که در حالت درویشی قرین بود، از سفری باز آمد و در چنان مرتبه دیدش. گفت: ممت خدای را که گلت از خار برآمد و خار از پای بدر آمد و بخت بلندت رهبری کرد و اقبال و سعادت باوری تا بدین پایه رسیدی «ان مع العسر یسر».

شکوفه گاه شکفته است و گاه خوشیده درخت وقت برهنه است و وقت پوشیده گفت: ای یار عزیز تعزیم کن که جای تهنیت نیست. آنکه که تو دیدی غم نانی داشتم و امروز تشویق جهانی<sup>۳</sup>.



### • نکوهش سخن چینی

.... و قدما نمام را تشبیه کرده اند به کسی که به ناخن، بنیاد دیوارهای استوار می خراشد و سر انگشت را جای می طلبد، تا چون به تفحص و تفتیش بی حد رخنه ای یابد، به کلنگ آن را بزرگتر کند و فواید آن دیوار خراب گرداند، تا موجب انهدام بنا شود.

و در این باب حکایات و امثال بسیار ایراد کرده اند که یکی از آن ناسد و نوز است، در کلیلله و دمنه و غرض از وضع چنان حکایتها آن است که چون سعی قوی به خدیعت و روباھی در معرض استیصال حیوانات عظیم آید، با ملکی قاهر

به مداخلت نمایی که خویشان در صورت ناصحان فرا نماید نیت در حق وزرا و نصحای خود، که قوام و مدار ملک برایشان بود، فاسد گرداند، تا بعد از فرط تمکین و انفاذ تصرف و ایثار ایشان بر اولاد خویش به حقد و عداوت گرایند و بر بطش<sup>۴</sup> و قتل و تعذیب ایشان اقدام کنند، شاید که در باب دوستانی که به روزگار اختیار احوال ایشان کرده باشند و صداقت ایشان ذخایر اوقات شداید، ساخته و به منزلت ارواح در دلها جای داده، از سعایت ایشان حذر کنند.<sup>۷</sup>



### • نجوا

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش کی روی ره، ز که برسی، چه کنی، چون باشی نقطه عشق نمودم به تو، هان! سهو ممکن و زنه چون بنگری، از دایره بیرون باشی<sup>۸</sup>

### • بی نوشتها

- ۱- صحیفه انقلاب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ص ۱۳
- ۲- آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴ سوره آل عمران
- ۳- رساله لقاءالله، پانویشت ص ۱۲۸ - مخناری، رضا: سیمای فرزندانگان، جلد سوم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ص ۲۲۲
- ۴- مأخذ سابق، ص ۱۱۷ - انوار لقمانیه، جلد ۳، ص ۳۴۱
- ۵- سعدی، شیخ مصلح الدین: کلیات سعدی، مقدمه و شرح حال از محمدعلی فروغی «دکاء الملک»، انتشارات ایران، ص ۱۲۱
- ۶- حمله
- ۷- طوسی، خواجه نصیرالدین: اخلاق ناصری - جمعی از نویسندگان: برگزیده متون ادب فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۶۷، ص ۱۱۵
- ۸- حافظ

